

*

21176

15 SUBAT 1991

madde: BUSELIK

A. Br. : c. 9 , s. 152

B. L. : c. 10 , s. 2035

F. A. : c. , s.

M. L. : c. 11 , s. 663

T. A. : c. VIII , s. 474

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد دوازدهم، تهران، ۱۳۸۳

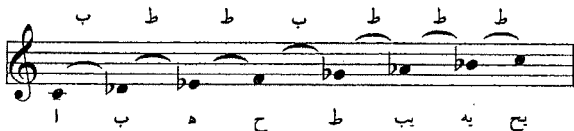
۷۴۹

بوسلیک

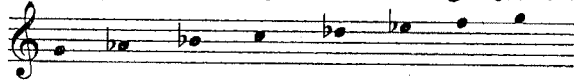
نیم و برخاسته از «شیب نهادند» می‌داند (همو، ۶۴-۶۱). در برخی از رسالات موسیقی پس از سده ۱۰ ق/ ۱۶م مقام بوسلیک شامل ۴ بانگ ذکر شده است (مثلاً نک: عبدالمؤمن، ۶۱) که فرصت این اطلاق را در عهد خود متروک می‌داند (ص ۲۲).

در باب فواصل و گردش نغمات بوسلیک و ارتباط آن با دیگر نغمات (همو، ۵۵؛ فرصت، ۲۰) و نیز در تأثیر مقام بوسلیک بر طبقات، نژادها و اقوام مختلف، ارتباط آن با پرندگان و حیوانات و جنبه‌های موسیقی - درمانی آن (مراغی، شرح، ۲۷۷؛ عبدالمؤمن، ۵۸، ۸۲؛ فرصت، ۱۵، ۲۶) و همچنین پیوند بوسلیک با افلاک و بروج و فصول و اوقات شبانه روز (غزنی، ۱۳۳؛ کوکبی، ۱۰۲؛ عبدالمؤمن، ۸۸؛ فرصت، ۱۵) در رسالات قدیم مطالب مفصلی ذکر شده است.

صفی‌الدین ارموی ابعاد مقام بوسلیک را «ب ط ط ط ط ط» و نغمات آن را «ا ب ه ح ط یب یح» ذکر کرده (ص ۱۷۵، ۱۷۵) که حسینعلی ملاح آن را به نت امروزی چنین (ص ۶):



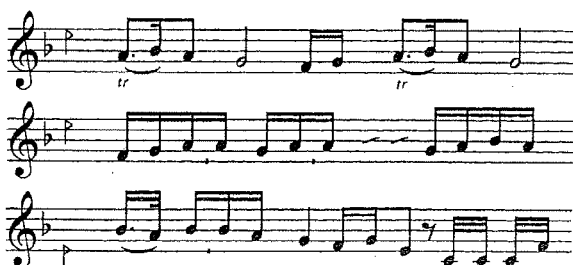
و مهدی برکشلی آن را از مبنای نت سل چنین نوشته است (ص ۲۹):



بوسلیک دارای دو شعبه با نامهای عشیران و صباست (مراغی، همان، ۳۰۳-۳۰۸) که عشیران را از نرمی آن، و نوروز صبا را از بلندی آن گرفته‌اند (کوکبی، ۵۱-۵۲؛ غزنی، ۱۲۷). بوسلیک، عشاق و نوا دارای اشتراک نغماتند (مراغی، جامع، ۱۵۰، مقاصد، ۷۹)، مگر در مبدأ که اختلاف آنها چنین نمایه‌ای دارد (کیانی، مبنایی، ۱۰۷):

ط	ب ط ط	ب ط ط	ط
ط ط	ب ط ط	ب ط ط	ط ط
ط ط ط	ب ط ط	ب ط ط	ط ط ط

در موسیقی دستگاهی امروزی، بوسلیک گوشه‌ای است در دستگاه نوا (همو، هفت دستگاه، ۳۷؛ مشحون، ۷۱۰، ۷۲۰، ۷۲۸؛ ستایشگر، ۱۶۱) و در ردیف موسی معروفی از مبنای نت سل نوشته شده، و علینقی وزیری آن را به نت امروزی چنین نوشته است (۱۵۴/۲-۱۵۵):



۱۳۶۰ ش: طبری، محمدعلی، زبدة الآثار، تهران، ۱۳۷۲ ش؛ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، به کوشش احمد حسینی، بیروت، ۱۳۶۰ ق/ ۱۹۸۳ م؛ فروغی، محمدعلی، مقدمه بر «بوستان»، کلیات (نک: هم، سعدی)؛ قرآن کریم؛ قراقرزلو، محمد، «جنگ و صلح از مزغل سعدی»، سده‌شناسی، به کوشش کورش کمالی سروسرانی، شیراز، ۱۳۸۳ ش، دفتر ۱۷، قطب‌الدین شیرازی، دره‌التاج، به کوشش ماهدخت بانوهمایی، تهران، ۱۳۶۹ ش؛ لاهیجی، محمد، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، به کوشش محمدرضا بزرگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۱۳۷۱ ش؛ ماسه، هانزی، تحقیق درباره سعدی، ترجمه غلامحسین یوسفی و محمد حسن مهدوی اردبیلی، تهران، ۱۳۶۴ ش؛ محلاتی، صدرالدین، مکتب عرفان سعدی، شیراز، ۱۳۴۶ ش؛ مشار، خانیابا، فهرست کتابهای چاپی فارسی، تهران، ۱۳۵۰ ش؛ منزوی، خطی، همو، خطی مشترک؛ همو، سعدی بر مبنای نسخه‌های خطی پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۳۶۳ ش؛ مرحد، ضیاء، سعدی، تهران، ۱۳۷۳ ش؛ نصیرالدین طوسی، محمد، اخلاق ناصری، به کوشش مجتبی مینوی و علیرضا حدیدی، تهران، ۱۳۶۰ ش؛ همو، شرح الاشارات و التنبیها، تهران، ۱۳۷۹ ق؛ نظامی گنجوی، شرف‌نامه، به کوشش وحید دستگردی، تهران، ۱۳۱۶ ش؛ وحید دستگردی، حسن، «حکیم نظامی گنجوی»، ارمغان، تهران، ۱۳۱۸ ش، س ۲۰، ش ۶؛ هخامنشی، کیخسرو، حکمت سعدی، تهران، ۱۳۵۶ ش؛ یغمایی، حبیب، «گردش در بوستان»، ارمغان، تهران، ۱۳۱۸ ش، س ۲۰، ش ۶؛ یوسفی، غلامحسین، توضیحات بر بوستان (نک: هم، سعدی)؛ همو، «جهان مطلوب سعدی در بوستان»، بوستان (نک: هم، سعدی)؛ همو، «سیری در بوستان سعدی»، در آرزوی خوبی و زیبایی، تهران، ۱۳۷۰ ش؛ نیز: Iranica. اصغر دابه

بوستهدید، نک: آل بوسعید.

بوسلیک (ابوسلیک)، مقامی از مقامهای ۱۲ گانه موسیقی قدیم ایران، دور سوم از «ادوار مشهوره» (صفی‌الدین، ۲۳۵؛ مراغی، شرح، ۲۰۲، جامع، ۱۲۷، مقاصد، ۵۵) و دایره بیست و هفتم از «ادوار کثیره» (صفی‌الدین، ۲۳۶؛ مراغی، شرح، ۲۰۲-۲۰۴). در برخی از رساله‌های موسیقی، بوسلیک مقام دوم از مقامات ۸ گانه (فرصت، ۱۶)، و در برخی مقام دوم از مقامهای ۷ گانه فیثاغورس دانسته شده است. در وجه تسمیه آن می‌گویند: بوسلیک نام غلام فیثاغورس بوده که در این پرده به زبان ترکی «سرود می‌گفته» است (آملی، ۱۰۲/۳؛ کوکبی، ۴۹)؛ برخی نیز آن را نام خاتون یکی از خلفا دانسته‌اند (عبدالمؤمن، ۱۱۵)؛ همچنین در شعری بوسلیک برآمده از ناله شخصی به نام بابا عمر دانسته شده است («رساله...»، ۱۹۳).

از «پرده بوسلیک» در قابوستنامه اثر عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر (تألیف: ۴۷۵ ق/ ۱۰۸۲ م)، و نیز در دیوان شمس اثر جلال‌الدین محمد مولوی (د ۶۷۲ ق/ ۱۲۷۳ م) یاد شده، همچنین علاء منجم در رساله اشجار و اثمار (تألیف: ح ۶۷۹-۹۱۶ ق/ ۱۲۸۰-۱۲۹۲ م) پرده بوسلیک را در شمار ۷ پرده اصلی دانسته است (نک: پورجوادی، ۵۷). محمدبن محمود بن محمد نیشابوری در رساله موسیقی خویش که ظاهراً آن را در اوایل قرن ۱۲ ق/ ۱۲م نگاشته، «بوسلک» را نهمین پرده از پرده‌های ۱۲ گانه، و نگارین را نیز چهارمین شعبه از شعبه‌های ۶ گانه و برخاسته از بوسلک و اصفهان دانسته است (نک: همو، ۶۲). وی همچنین علم موسیقی را مشتمل بر ۱۸ بانگ، و بوسلک را یک بانگ و

Istanbul 1947; [TDVIA, s.v. "Boğaziçi" (by M. Tayyib Gökbilgin)]; P. Ullyot and Orhan Ilgaz, "The hydrography of the Bosphorus: an introduction", *The Geographical Review*, XXXVI, no. I (1946), 44 ff.

/ و. پری (د.اسلام) /

بوسلیک، از مقامهای دوازدهگانه موسیقی مقامی ایران. دارای دو شعبه به نامهای نرورز صبا و عشیران، و چهارگوشه به نامهای دوگاه عجم، محسنی، حجاز بزرگ و زیاب پنجگاه بوده است (عبدالمؤمن بن صفی الدین، ص ۱۳۴؛ مراغی، ص ۵۶). جامی در رساله موسیقی، بوسلیک را دارای هشت نغمه: ا، ب، ه، ح، ط، یب، یه، یج، و هفت بُعد: ب، ط، ب، ط، ط، ط، ط دانسته است (ملاح، ص ۵) که با رسم الخط امروزی موسیقی چنین استخراج می‌گردد: دو، رِیْمُل، می بمل، فا، سُل بمل، سی بمل، دو.

در ردیف موسیقی میرزا عبدالله، بوسلیک هجدهمین گوشه دستگاه نوا شمرده شده است (دورینگ، ص ۲۸۷). از این گوشه می‌توان به منزله «لحن رابط» در انتقال از دستگاه نوا به دستگاه شور استفاده کرد. پرده‌های سازنده این گوشه، طبق انگاره‌ای که در کتاب آواشناسی موسیقی ایران اثر وزیری (ص ۱۵۴) و هفت دستگاه موسیقی ایران اثر کیانی (ص ۳۷) آمده، و نمونه‌ای که در ردیف هفت دستگاه موسیقی ایرانی اثر معروفی (بخش دستگاه نوا، ص ۱۵) ثبت شده چنین است: دو - ر - می کُرُن - فا - سل - لا - سی بمل - دو.

منابع: ژان دورینگ، ردیف سازی موسیقی سنتی ایران: ردیف تار و سه تار میرزا عبدالله، به روایت نورعلی برومند، ترجمه بیروز ستار، تهران ۱۳۷۰ ش؛ عبدالمؤمن بن صفی الدین، رساله موسیقی بهجت الروح، با مقابله و مقدمه و تعلیقات ه. ل. رابینو دی برگوماله، تهران ۱۳۴۶ ش؛ مجید کیانی، هفت دستگاه موسیقی ایران، تهران ۱۳۷۱ ش؛ عبدالقادرین غیبی مراغی، مقاصد الالحان، چاپ نفی بینش، تهران ۱۳۵۶ ش؛ موسی معروفی، ردیف هفت دستگاه موسیقی ایرانی، تهران ۱۳۷۴ ش؛ حسینعلی ملاح، «شرحی بر رساله موسیقی جامی»، مجله موسیقی، دوره ۳، ش ۱۰۳ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۴۵)؛ علیفی وزیری، آواشناسی موسیقی ایران، تهران ۱۳۱۳ ش.

/ حسینعلی ملاح /

بوسنوی سرایی، محمدبن موسی، مفسر، محدث و قاضی حنفی قرن یازدهم هجری. در حدود ۱۰۰۳، در بوسنه‌سرای (سارایوو) متولد شد. او را غلامک، و به قولی، چون در جوانی بسیار می‌دانسته، علامک لقب داده‌اند (محبی، ج ۴، ص ۳۰۲؛ بغدادی، ج ۲، ستون ۲۷۸؛ طاهریبگ، ج ۱،

نویسندگان بوده است (د.د.ترک، ج ۶، «ذیل «بوغازیچی»»، ص ۲۶۱).

منابع: محمد ظلی بن درویش اولیاجلی، اولیا چلبی سیاحتنامه سی، ج ۱، چاپ احمد جودت، استانبول ۱۳۱۴، ص ۴۵۳ به بعد؛ مصطفی بن عبدالله حاجی خلیفه، جهان‌نما، استانبول ۱۷۳۲/۱۱۴۵، ص ۶۶۴؛

Comte Andréossy, *Constantinople et le Bosphore de Thrace*, Paris 1828; E. Brüel, *International straits: a treatise on international law*, vol. II, Pt. IV: *The Turkish straits*, Copenhagen and London 1947; E. Chaput, *Voyages d'études géologiques... en Turquie*, Paris 1936, 151 ff., 237 ff., 287 ff.; *Constantinople et les détroits, documents secrets.*, Moscow 1932; E. Driault, *La question d'Orient depuis ses origines jusqu'à la paix de Sèvres*, Paris 1921; idem, *La question d'Orient 1918-1937*, Paris 1938; J. Ebersholt, *Constantinople Byzantine et les voyageurs du Levant*, Paris 1918; A. Gabriel, *Châteaux Turcs du Bosphore*, Paris 1943; S. Goriainov, *Le Bosphore et les Dardanelles*, Paris 1910; P. P. Graves, *The question of the straits*, London 1930; P. Gyllius, *De Bosphoro Thracio Libri Tres*, Lyon 1561; J. von Hammer-Purgstall, *Constantinopolis und der Bosphoros*, Pesth 1822; IA, s.v. "Boğaziçi" (by Besim Darkot and M. Tayyib Gökbilgin); R. Janin, *Constantinople Byzantine: développement urbain et répertoire topographique*, Paris 1950, 426-445; idem, *d'Églis Byzantine sur les rives du Bosphore (côte asiatique)*, in *Revue des études Byzantines*, XII, Paris 1954, 69-99; J. B. Lechevalier, *Voyage de la propontide et du Pont-Euxin*, Paris 1800; A. Merz, *Hydrographische Untersuchungen in Bosphorus und Dardanelles*, bearb. L. Möller, Berlin 1928; [The New Encyclopaedia Britannica, Chicago 1977, *Micropaedia*]; August Friedrich von Pauly, *Pauly's Real-Encyclopädie der classischen Altertumswissenschaft*, ed. G. Wissowa, W. Kroll, and K. Mittelhaus, Stuttgart 1894-1970, s.v. "Bosphoros"; Ch. Pertusier, *Promenades Pittoresques dans Constantinople et sur les rives du Bosphore*, Paris 1815, 1817; *The Problem of the Turkish straits*, Washington: U.S.Govt. Printing Office, 1947; A. Sorel, *La question d'Orient au XVIII^e siècle*, Paris 1889; W. Tomaschek, *Zur historischen Topographie von Kleinasien im Mittelalter* (SBak. Wien, Phil.Hist. Cl., Bd CXXIV), Vienna 1891, 2-3; Baron de Tott, *Mémoires sur les Turcs et les Tartares*, Maestricht 1785, Pt. III, 122 ff.; S. Toy, *The castles of the Bosphorus*, Oxford 1930; Cemal Tukin, *Osmanlı İmparatorluğu devrinde Boğazlar Meselesi*,

MADE YAYINLANMIŞTIR
SOVRA SELEN DOKÜMAN

1 500001 200

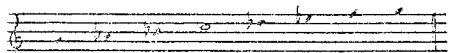
an old Indian loan from Iranian **wisah-puḍra*-(Middle Pers. *wispuhr*, etc.), found in a Kharosthi inscription as *gūfura* and in Shina as *gūspūr* (Morgenstierne apud Lorimer, p. XXIV, and see H. W. Bailey in *Orientalia J. Duchesne-Guillemain Emerito Oblata*, Acta Iranica 23, p. 41; cf. Parachi-Ormuri, in which initial *w*-> *g*-); *urk* "wolf" resembles Ishkashmi *urk*; *khan* "fortified village, fort" may derive from **kanθ*, with shift of the aspiration and loss of the final dental, from the widely attested word for "city" in the Central Asian languages: Sogdian *knθ-h*, Khotanese *kanthā*, Yaghnobi *kā(n)t*, and cf. Samar-kand, Tash-kent, etc. (borrowed in Sanskrit as *kanthā*, Mayrhofer, *Dictionary I*, p. 131). The word *datū* "autumn" has cultural implications; according to Morgenstierne (1945, pp. 93-94) the word derives from an early Middle Iranian form of the name of the tenth Zoroastrian month, Pahlavi/Persian *day* < **daḍw* (Avestan *daθušō*, *AirWb.*, col. 679), with which we may compare *śini* "summer" from Sanskrit *śravanikā* "belonging to the 4th month" (of the Hindu calendar; Turner, no. 12700).

Bibliography: H. Berger, *Das Yasin-Burushaski* (Werchikwar). *Grammatik, Texte, Wörterbuch*, Wiesbaden, 1974. J. Charpentier, "Beiträge zur indoiranischen Wortkunde," *Le monde oriental* 18, 1924, pp. 1-45. D. L. R. Lorimer, *The Burushaski Language I: Introduction and Grammar*, II: *Texts and Translations*, III: *Vocabularies and Index*. Institutet for sammenlignende kulturforskning, serie B: Skrifter 29/1-3, Oslo, 1935-38. G. Morgenstierne, preface to Lorimer, f. Idem, "Notes on Burushaski Phonology," *NTS* 13, 1945, pp. 61-95. R. L. Turner, *A Comparative Dictionary of the Indo-Aryan Languages*, London, 1966.

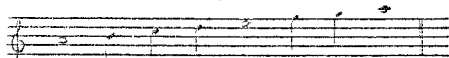
(HERMANN BERGER)

BURZĒNMIHR. See ĀDUR BURZĒNMIHR.

BÜSĀLIK has been mentioned in medieval treatises on music, notably in the *Kitāb al-ādawār* of Šaḥīr-al-Dīn Ormuvi (d. 693/1294), as one of the *maqāms* of the Perso-Arabian musical system of the time. Its scale, within the range of an octave, was as follows (Wright, 1978, p. 65):



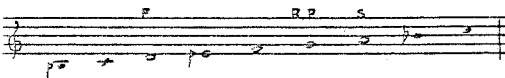
It has remained a *maqām* in Arabian, Turkish, and Persian musical traditions to this day. As is often the case, however, the contemporary form of the *maqām* (mode) of Būsālik differs from that which is given by the classical scholars. In Turkish music Būsālik, or Puselik, defines a mode comparable to the aeolian of ecclesiastic modes (Reinhard, p. 74):



The term is also used to define the note B (Signell, pp. 28-29). This form of the Būsālik mode is corroborated by the findings of the Cairo Congress on

Arab Music, 1932 (Wright, 1980, p. 523), which testifies to the close links between the theories and practices of Turkish and Arabian classical traditions to this day.

In contemporary Persian music, on the other hand, Būsālik is a *gūša* in the *dastgāh* Navā. Its mode differs from the Arabo-Turkish Būsālik in that the tone above the finalis is microtonally lowered. The following is the scale of Būsālik as known in the current tradition of Persian music:



It is to be noted that the 5th above the finalis (F) acts as the starting (S) tone; the 4th above is the reciting (R) tone and also the note on which melodic pauses (P) occur. Būsālik shows closer affinity to the *dastgāh* Šūr, yet it belongs to the structure of the *dastgāh* Navā and is not usually included in the *dastgāh* Šūr. The contemporary *dastgāh* system of Persian music abounds in such anomalies.

Bibliography: 'Abd-al-Qāder b. Ġaybī Hāfez Marāḡī, *Maqāsed al-alhān*, ed. T. Bīneš, Tehran, 1344 Š./1965, index, s.v. Idem, *Jūme' al-alhān*, ed. T. Bīneš, Tehran, 1366 Š./1987, index, s.v. M. Ma'rūfī, *Radf-e haft dastgāh-e mūsīqī-e trānī*, Tehran, 1352 Š./1973. Navā 27. K. and U. Reinhard, *Turquie*, Berlin, 1969. K. L. Signell, *Makam. Modal Practice in Turkish Art Music*, Seattle, 1977. O. Wright, *The Modal System of Arab and Persian Music A.D. 1250-1300*, Oxford, 1978. Idem, "Arabian Music," in *The New Grove's Dictionary of Music and Musicians*, London, 1980.

(HORMOZ FARHAT)

BÜSĀSP (Young Av. *Būšyasta*-, Pahl. *bwšsp*, Man. Mid. Pers. *bwšy'sp*, NPers. *būš(y)āsb/p*, *gūšās/b/p*, *būšyās*), the name of a demon in Zoroastrianism. The final *p* of the Mid. Iran. forms is presumably due to popular etymology. The name occurs several times in the Younger Avesta as a proper noun and is grammatically the abstract noun in *-iā* of the future participle *būšyant-* from *bav-* "to become," lit., "what-will-be-ness." understood as the name of the *daēvi* of slothfulness and procrastination. Feminine in gender, she is smitten by Miθra with his club (*Yt.* 10.97, 134) and is destroyed by X'arənah, the Mazdā-created Fortune/Glory (*Yt.* 18.2); she threatens always to overcome the whole material world with her evil lethargy at break of day, when Sraoša's herald, the cock Parōdarš, cries out a warning at dawn (*Vd.* 13.15f.). Nyberg saw her as in origin a divine being, goddess of trance and oracles, who was transformed in Zoroastrianism into the demon of slothfulness. Darmesteter sought to link her to Xnəθaitī and Jāhī as female storm demons and explained Būšyasta's epithets *zairina* (yellowish) and *darəyō gava* (long-handed) as reflecting the lightning-flash of Xnəθaitī. Būšāsp endures in the *Bundahīšn* and other books extant in Pahlavi as a formidable, if not principal, agent of the Evil Spirit. She creates laziness (*Bundahīšn*,

21136

-Bosdik

Pusek

N. Özcan
ilke
21136